

تاریخ و تمدن اسلامی، سال دهم، شماره نوزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۳۱-۵۸

فصد در پزشکی مسلمانان^۱

علی غفرانی^۲

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، مشهد، ایران

نرگس کدخدایی کلات

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، مشهد، ایران

چکیده

اصطلاح فصد به معنای رگ‌زدن، در پزشکی اسلامی، هم یک شیوه پیش‌گیری از برخی بیماری‌ها و هم یک شیوه درمانی مؤثر برای مداوای بسیاری از بیماری‌ها به شمار می‌رفته و از قدیم کاربرد داشته و مورد قبول اغلب پزشکان مسلمان بوده است. دانشمندان مسلمان، در جریان نهضت ترجمه، کتاب‌هایی با محتوای فصد به عربی برگرداندند و بعدها خود نیز کتاب‌هایی با همین عنوان و محتوا تألیف و منتشر کردند. کلمه فصد علاوه بر کاربرد آن در کتب پزشکی، در اشعار فارسی و عربی نیز راه یافته و مثل‌ها و کنایات متعددی با کمک این کلمه شکل گرفته و در اشعار شاعران و نویسندگان تجلی کرده است. همه مردم، اعم از وضع و شریف، در صورت نیاز، عمل فصد را انجام می‌دادند. سلاطین و خلفا نیز روزهای خاصی از سال را برای عمل فصد تعیین می‌کردند. این مقاله ضمن بیان معانی و شیوه‌های کاربردی عمل فصد، منافع، مضرات، مراقبت‌های پیش از عمل فصد، مراقبت‌های هنگام عمل فصد، مراقبت‌های پس از عمل فصد، مکان‌ها و زمان‌های انجام فصد، ابزارهای مورد استفاده در عمل فصد، شرایط فسادان، تعهدات فسادان، حقوق فسادان، مقررات حقوقی و قضایی مربوط به فصد از نگاه پزشکان مسلمان، بر آن است تا این موضوع را از نقطه نظر تاریخی بررسی کند.

کلیدواژه‌ها: پزشکی اسلامی، فصد، رگ‌زدن، بیشتر، خون، فساد، رگ‌زن.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۱۵.

۲. رایانامه: Sjdmu529@um.ac.ir

پیشینه فصد

جامعه اسلامی از آغازین روزهای شکل‌گیری خود، از سر نیاز، به پزشکی توجه نشان داد و مسلمانان ضمن استفاده از تجربیات پزشکی جوامع پیش از اسلام هم‌چون ایران و هند و روم، خود نیز به تألیف آثار و انتقال تجربیات، مبادرت ورزیدند.

فصد یا رگ‌زدن، یکی از تجربیات طبی و شیوه‌های مرسوم جوامع بشری برای درمان بیماری‌ها و پیش‌گیری از آن‌ها بوده و تقریباً در تمام جوامع متمدن رواج داشته است. پیشینه استفاده از فصد به مثابه یک روش درمانی، به‌درستی مشخص نیست. همین قدر می‌دانیم که بسیاری از پزشکان بزرگ یونانی پیش از اسلام از فصد استفاده می‌کردند که از جمله آن‌ها می‌توان به اوریباسیوس، بولس،^۱ سلس،^۲ بقراط^۳ و جالینوس^۴ اشاره کرد. استفاده از این روش در ایران پیش از اسلام نیز رواج داشت.^۵ روزی که پادشاهان ساسانی فصد می‌کردند، از فصدکردن سایر افراد اجتناب می‌گردید؛ چون تصور رایج بر این بود که در غیر این‌صورت تأثیر فصد پادشاه کم خواهد شد.

استفاده از فصد در عربستان دوره جاهلیت هم معمول بود. هم‌زمان با ظهور اسلام، حارث بن کله از پزشکان دوره حیات پیامبر اکرم (ص)، حجامت را بر فصد ترجیح می‌داد.^۶ بر اساس احادیث و روایات موجود، پیامبر اکرم (ص) فصد را مجاز دانسته و در کنار روش‌هایی مانند حجامت، آن را بهترین درمان شمرده است. در دو حدیث روایت شده از پیامبر(ص)، که مضمون تقریباً مشترکی دارند، آمده است که «بهترین درمان‌ها برای شما، حجامت و فصد است»^۷ و «بهترین درمان حجامت و فصد است»^۸. در سیره پیامبر اسلام (ص) آمده که وی طبیعی را نزد اُبی‌بن‌کعب از صحابه خود، فرستاد. این طبیب، رگ اُبی‌بن‌کعب را گشود و محل

۱. رازی، الحاوی، ۴۳/۱۴.

۲. منیه، ۱۲۵.

۳. جرجانی، خفی‌علائی، ۶۱؛ تفریسی، ۳۶/۱.

۴. رازی، الحاوی، ۷/۱۳؛ ابن‌سینا، ۶۰۶/۱؛ ابن‌تلمیذ، ۹؛ بدری، ۹۰؛ منیه، ۱۲۴؛ محقق، ۲۳.

۵. کریستین سن، ۵۲۹.

۶. افضل‌الملک، ۲۷۳.

۷. «خَیْرُ مَا تَدَاوَيْتُمْ بِهِ الْحِجَامَةُ وَ الْفِصْدُ»، الصالحی الشامی، ۱۴۷/۱۲.

۸. «خَیْرُ الدَّوَاءِ الْحِجَامَةُ وَ الْفِصْدُ»، ابن‌قیم، ص ۴۲؛ آوازه رضوی، ۱۱۳.

آن را داغ کرد.^۱ در سیره برخی امامان شیعه از جمله امام باقر(ع)، امام صادق(ع)، امام موسی کاظم(ع)^۲، امام رضا(ع)^۳ و امام حسن عسکری(ع)^۴ گاه فصد کردن و یا توصیه اطرافیان به فصد گزارش شده است.

در قرون نخستین اسلامی، به سبب حضور پزشکان جندیشاپور در بغداد و پس از ترجمه آثار یونانی و هندی و ایرانی در جریان نهضت ترجمه، مسلمانان با تجربیات پزشکان سایر ملت‌ها در زمینه فصد آشنا شدند و استفاده از این روش درمانی رواج بیشتری یافت.^۵ در اهمیت فصد در دوران خلافت عباسیان همین بس که یکی از جشن‌های رایج در دربار عباسیان، عیدالاحتجام بود.^۶ در آن روز، خلفای عباسی و سایر بزرگان حجامت و یا فصد می‌کردند.^۷ هارون الرشید(خلافت: ۱۷۰-۱۹۳هـ) در کنار حجامت، توجه زیادی به فصد داشت و جبرئیل بن بختیشوع، هر سال دوبار او را فصد می‌کرد.^۸ سلمویة بن بنان پزشک مخصوص معتصم عباسی^۹ (۲۱۸-۲۲۷هـ) نیز دوبار در سال او را فصد می‌کرد.^{۱۰} بسیاری از معروف‌ترین پزشکان مسلمان نیز از فصد به مثابه روشی مفید برای درمان بیماری‌ها یاد کرده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به یوحنا بن ماسویه،^{۱۱} ابن ربین طبری،^{۱۲} زکریای رازی،^{۱۳} ابن سینا،^{۱۴} جرجانی^{۱۵} و ... اشاره کرد. این

۱. الصالحی الشامی، ۱۴۹/۱۲.

۲. آوازه رضوی، ۱۱۴-۱۱۵.

۳. همو، ۱۲۰.

۴. اصول کافی، ج ۳، کتاب حجت، باب ۴۵، حدیث ۲۴؛ مجلسی، ۱۳۱/۵۹.

۵. بدری، ۹۱.

۶. مترز، ۱۶۷.

۷. العبیدی، ۱۵۶.

۸. بدری، ۹۱؛ کسایی، ۱۰۵.

۹. ابن ندیم، ۴۱۲.

۱۰. ابن القفطی، ۲۸۹.

۱۱. همو، ۵۲۰.

۱۲. ابن ربین طبری، ۳۳۵.

۱۳. رازی، الحاوی، ۲۱/۶؛ همو، المنصوری، ۵۶۲.

۱۴. ابن سینا، ۶۱۱/۱.

۱۵. جرجانی، ذخیره، ۱۳۷/۳.

این روش درمانی در حال حاضر نیز برای درمان برخی بیماری‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، اگرچه رواج سابق را ندارد.

فصد در لغت و اصطلاح

فصد^۱ واژه‌ای عربی است که در اصل به معنای شکافتن و گشادن رگ‌هاست و واژه‌های فصد به معنای زنده‌رگ و فصد و مفصود به معنای کسی که فصد شده و یا خونی که در اثر فصد از بدن خارج شده، از همین ریشه گرفته شده‌اند. این واژه در زمان جاهلیت نیز کاربرد داشت؛ چنان‌که «فصدالناقة» به معنای «شکافتن رگ شتر و کشیدن خون آن به منظور نوشیدن» بود.^۲ اعراب جاهلی گاه این خون را در روده پاک شده شتر و یا گوسفند ذبح شده، قرارداده بریان می‌کردند و آن را بر سر سفره مهمان خود می‌نهادند.^۳ گاه نیز اعراب خرما می‌خمیر کرده را با خون مخلوط کرده، آن را می‌خوردند که به چنین خوراکی فصد یا فصد می‌گفتند.^۴

مراد از فصد در پزشکی، رگ‌زدن برای درمان بسیاری از بیماری‌ها است. فسادان این عمل^۵ را به وسیله یک ابزار کوچک فلزی به نام نشتر یا نیشتر انجام می‌دادند. در واقع به خارج کردن خون از سیاهرگ‌ها و یا به‌هنگام ضرورت، شریان‌ها که برای مداوای بیماری‌های مختلف صورت می‌گرفت، فصد گفته می‌شد. این روش در گذشته کاربرد زیادی داشته و برای درمان بسیاری از بیماری‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته است. برخی پزشکان به این روش درمانی نگرش منفی داشته و آن را مضر می‌دانسته‌اند؛ چنان‌که ارسطو و برخی پیروان او مانند ابوسهل مسیحی اعتقاد داشتند که به دلیل اهمیت خون برای بدن و منافع بسیار این ماده، نباید آن را از بدن دفع کرد و اگر چنین کاری ضرورتی داشت، طبیعت همان‌طور که برای زیادت صفرآ و سوداء، زهره و سپرز (طحال) را آفریده، برای کاهش این ماده نیز عضوی را در نظر می‌گرفت.^۶ از این رو برخی پزشکان مانند اراسیستراتس، از نمایندگان بزرگ طب اسکندریه که معتقد

۱. Venesection- Phlebotomy: محرری، پاورقی دیباچه نخیره خوارزمشاهی، فاقد شماره صفحه.

۲. ابن منظور، ۳۳۶/۴؛ دهخدا، ۲۶۹/۳۶.

۳. زبیدی، ۴۵۳/۲؛ عبیدی، ۱۵۱.

۴. دهخدا، ۲۶۹/۳۶.

۵. رازی، المنصوری، ۵۶۲.

۶. طبیب طهرانی، ۱۰۲.

بودند فصد موجب ضعف می‌شود، به جای فصد، معمولاً دستورهای خاص غذایی و پرهیز و ورزش و استحمام را تجویز می‌کرده‌اند.^۱ امروزه نیز در میان صاحب‌نظران حوزه پزشکی، برخی بر این باورند که فصد، باقی‌مانده اعتقادات پزشکی قدیم است و در گذشته از آن رو مورد استفاده بوده که فساد خون را علت بیماری‌های مختلف می‌پنداشته‌اند.^۲

فصد گاه در شرایط اضطراری و گاه به صورت اختیاری انجام می‌شد.^۳ با وجود این، برخی پزشکان مانند جالینوس اعتقاد داشتند از آن‌جا که فصد، همواره خطراتی برای بیماران دارد، جز در مواقع اضطرار نباید به آن اقدام کرد.^۴ گاه در تاریخ به افرادی برمی‌خوریم که خودسرانه و بدون تجویز پزشک، فصد کرده‌اند و عواقب جبران‌ناپذیری برایشان ایجاد شده است، مانند علاءالدین محمد خوارزمشاه (حک: ۵۹۶-۶۱۷هـ) که گفته می‌شود به علت فصد خودسرانه‌اش، بیماری مالیخولیا گرفته بود.^۵

تفاوت‌های فصد با حجامت

فصد وجوه تشابهی با حجامت دارد. حجامت نیز مانند فصد، روشی برای رعایت بهداشت، پیش‌گیری از بیماری^۶ و نیز درمان برخی بیماری‌ها^۷ از طریق خارج کردن مقداری از خون بدن افراد بوده است. در عین حال تفاوت‌های بسیاری بین فصد و حجامت وجود دارد: در فصد، فساد رگ مورد نظر را کاملاً می‌گشود تا مقدار مشخصی از خون بیمار را از بدنش خارج کند؛ ولی در حجامت رگی شکافته نمی‌شود؛ بلکه حجامت‌گر، با شاخی میان تهی، یا شیشه‌ای به همان شکل، محل حجامت را که اغلب در پشت بدن و در صورت لزوم، در سایر اندام‌ها از جمله دست و پا بود، بادکش می‌کرد و پس از آماسیدن یا ورم کردن محل مورد نظر، با ابزار مخصوص نوک تیزی به نام مشرط^۸، چند خراش در سطح پوست بدن ایجاد می‌کرد^۹ تا خون مورد نظر از این

۱. نجم آبادی، ۱۲.

۲. مصاحب، ۱۸۹۷/۲.

۳. ابن القف، ۱۶۷/۱؛ العبیدی، ۱۵۵؛ بدری، ۹۳.

۴. منیه، ۱۲۴.

۵. صفا، ۱۵۶/۳.

۶. جرجانی، نخیره، ۲۱۶/۳.

۷. طبیب طهرانی، ۱۸.

۸. Scalpel: باباپور، پاورقی نسخه برگردان مقالت سی ام/التصریف زهراوی، ۱۴.

۹. محقق، ۳۸۴.

خرایش‌ها بیرون بزند و پس از خروج خون جمع شده در زیر محل بادکش‌شده، جلوی خونریزی را می‌گرفت. در حجامت، خون از قسمت‌های سطحی بدن و پوست فرد^۱ و اغلب از مویرگ‌های داخل در گوشت گرفته می‌شد و از این رو حجامت، ضعف بدن را به دنبال نداشت. در حالی که معمولاً فصد، ضعف قابل توجهی در بدن بیمار ایجاد می‌کرد.^۲ شاید از همین رو بود که در مواردی که خون‌گرفتن یا فصد بنا به عللی درباره یک بیمار مقدور نبود- مثلاً برای درمان اطفال و سالمندان^۳ - استفاده از حجامت در اولویت بود.^۴ همچنین در حجامت به جای خون غلیظ، خون رقیق گرفته می‌شد.^۵ احتمالاً از این روست که برخی بر این باورند حجامت آن چیزی را از بدن خارج می‌کند، که فصد نمی‌کند. به اعتقاد برخی پزشکان قدیم، در مناطق گرمسیری، حجامت سودمندتر از فصد بوده است.^۶

فصد و حجامت از لحاظ زمان و مکان استفاده نیز با یکدیگر تفاوت داشتند.^۷ به اعتقاد پزشکان قدیم، بهترین زمان برای حجامت، روزهای میانی ماه بود که مزاج‌ها تحت تأثیر تابش نور ماه، هیجان می‌کردند.^۸ در حالی که بهترین زمان برای فصد، پس از روزهای میانی ماه بود؛ زمانی که نور ماه شروع به کم شدن می‌کرد.^۹

ابزارهای مورد استفاده در فصد^{۱۰}

برای انجام عمل فصد ابزارهای خاصی مورد استفاده قرار می‌گرفت. در دوران‌های کهن، فسادان از شاخ حیوانات برای رگ‌زدن استفاده می‌کردند. پس از پیشرفت علم پزشکی و مجهز شدن پزشکان به ابزارهای متعدد، برای انجام عمل فصد از ابزاری به نام نیشتر استفاده می‌شد. نیشتر

۱. ابن تلمیذ، ۲.

۲. دهرسخی اصفهانی، ۱۳۵.

۳. ابن تلمیذ، ۱۱.

۴. ابن اخوه، ۱۷۴.

۵. الگود، ۳۳۹.

۶. ابن قییم، ۴۲.

۷. همانجا.

۸. الگود، ۳۴۱.

۹. قزوینی، عبدالکریم، ۵۲۱.

۱۰. نک: تصاویر صفحه پایانی همین مقاله (ص ۵۸).

مهم‌ترین ابزار مورد استفاده در این عمل بود و با نام‌های دیگری مانند رائِشَة،^۱ مِبْضَع،^۲ نِیسو، نِیسویا،^۳ تیغ، شَسْت،^۴ مِبْطَة و فِصَاد نیز از آن یاد شده است. بیشتر وسیله‌ای فلزی بود که برای گشودن رگ‌ها، و بیرون ریختن چرک از آبله و دمل به کار می‌رفت.^۵ لازم بود بیشتر فسادان دسته سبکی داشته باشد؛ چون در غیر این صورت، بیشتر بیشتر از آن چه مورد نظر فِصَاد بود، فرو می‌رفت. فِصَاد باید برای پاکیزه نگه‌داشتن بیشتر، دقت لازم را به عمل می‌آورد و پس از هر بار فِصَاد کردن، آن را تمیز و خشک می‌کرد تا زنگ نزنند. در فصل زمستان بایست آن را با روغن چرب می‌کرد تا در اثر برخورد با هوای سرد، کند نشود.

شکل و اندازه بیشتر مورد استفاده برای هر رگ با بیشتر سایر رگ‌ها تفاوت داشت^۶ بیشتر مورد استفاده برای فِصَاد رگ باسلیق، بلند و کشیده و در انتهای آن کمی خمیدگی وجود داشت؛ اما بیشتر رگ قیفال دارای نوکی صاف بود.^۷ به نظر می‌رسد شکل ابزارهای فِصَاد، گاه در مناطق مختلف، متفاوت از یکدیگر بود؛ مثلاً شکل بیشتر برای رگ اکحل در بغداد و مصر با یکدیگر تفاوت داشت.^۸ برخی محققان و پزشکان در تشریح فِصَاد و ابزارهای مورد استفاده، به جای بیشتر از ابزاری به نام فِأَس^۹ یاد کرده‌اند^{۱۰} که احتمالاً تبرچه‌ای نوک تیز بود. مِدَس نیز میله‌ای سرتیز و مانند بیشتر بود که برای شکافتن غده‌ها و ورم‌ها کاربرد داشت.^{۱۱} فسادان علاوه بر بیشتر، از لوازم دیگری هم‌چون چاقو برای سوراخ کردن وَریدها، زَه^{۱۲} یا شریان‌بند برای پیچیدن به دور بازوی بیمار و برای این که رگ‌هایش برجسته بماند، یک گلوله

۱. ابن القف، ۱/۱۶۷.

۲. زهراوی، ۱۳؛

۳. دهخدا، ۴۷/۱۰۰۵.

۴. همو، ۲۹/۳۶۱.

۵. همو، ۳۷/۵۱۳ و ۳۷/۱۰۰۹.

۶. تفلیسی، ۲/۶۲۴.

۷. جرجانی، ذخیره، ۳/۲۳۶.

۸. همان، ۳/۲۳۶.

۹. Pickaxe: باباپور، پاورقی نسخه برگردان مقاله سی ام/التصریف زهراوی، ۱۳.

۱۰. زهراوی، ۱۳؛ ابن القف، ۱/۱۶۹.

۱۱. محقق، ۳۸۴.

۱۲. ابن اخوه، ۱۷۳؛ نجم آبادی، ۷۹۸.

ابریشم یا نخ برای بستن زخم، ابزاری برای تحریک استفراغ در موارد سنکوپ، موی خرگوش به عنوان قابض و روغن برای مالیدن به نوک چاقو برای کاهش درد استفاده می‌کردند. گاه لازم بود فسادان، نافه مُشک^۱ و قرص آن را داشته باشند تا اگر بیمار بیهوش شد، فوراً نافه را جلوی بینی او قرار دهند و مقداری از قرص‌ها را به او بخوراند تا به هوش آید.^۲

فصد در کتاب‌های پزشکی

آثار و نوشته‌های پزشکی مرتبط با فصد را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: دسته نخست آثار عمومی پزشکی هستند که در خلال مطالب عمومی پزشکی، از فصد نیز سخن گفته‌اند. معمولاً در این قبیل آثار، کاربرد شیوه درمانی فصد و ابزارها و سایر جزئیات مربوط به آن، در بخش جراحی آمده و نویسندگان این متون، عمل جراحی را به سه بخش شکسته‌بندی (جباره)، خون‌گیری (فصد) و داغ‌کردن (کئی) تقسیم کرده‌اند. از جمله تألیفات طبّی قدیم که مطالب و بخش‌هایی در باره فصد دارند، می‌توان به *فردوس‌الحکمة ابن ربّین طبری*^۳، *الحاوی*^۴، *المنصوری فی الطب و من‌لایحضره الطیب تألیف محمدبن زکریا رازی*، *هدایة المتعلمین فی الطب اخوینی بخاری* (۳۷۳هـ)، *کتاب التصریف لمن عجز عن التالیف ابوالقاسم زهراوی* (۴۰۴هـ)، *قانون ابن سینا* (۴۲۸هـ)، *حَقّی علانی*^۵ و *ذخیره خوارزمشاهی*^۶ تألیف سید اسماعیل جرجانی (۵۳۱ یا ۵۳۵هـ)، اشاره کرد. این کتاب اخیر شامل یکی از مفصل‌ترین گزارش‌ها درباره این روش درمانی است. کتاب *کفایة الطب تألیف ابوالفضل حبیش التفلیسی* (۶۲۹هـ)^۸ و کتاب *العمدة فی الجراحة*^۱ تألیف ابن القف (۶۸۵هـ) و کتاب *میزان الطب*^۲ تألیف حکیم محمد اکبر شاه ارزانی (قرن ۱۲هـ) نیز به موضوع فصد پرداخته‌اند.

۱. جرجانی، *خفی علانی*، ۶۲.

۲. ابن سینا، ۶۰۸/۱؛ ابن اخوه، ۱۷۲.

۳. مقاله دوازدهم، باب اول و دوم، ۳۳۶-۳۳۵.

۴. ۳۷/۱۴.

۵. فصل نوزدهم از جلد اول.

۶. در بخش اول، مقاله اول، باب دوازدهم.

۷. کتاب سوم، گفتار نخستین، جزء چهارم، باب نخستین، ۲۴۲-۲۱۲.

۸. تفلیسی، ۳۶/۱.

دسته دوم تک‌نگاشته‌ها و رساله‌هایی هستند که در خصوص فصد تألیف شده‌اند. از جمله قدیم‌ترین تک‌نگاری‌ها، باید به کتاب *الفصد* اثر جالینوس اشاره کرد که حنین بن اسحق آن را از یونانی به عربی ترجمه کرده بود.^۳ یوحنا بن ماسویه نیز که در دوره عباسیان (هارون، امین و مأمون) می‌زیسته، کتابی به نام *الفصد و الحجامة* داشته است.^۴ آقابزرگ تهرانی در کتاب *الذریعة الی تصانیف الشیعة* برخی آثار نگاشته شده در زمینه فصد را معرفی کرده است. به گفته وی، محمد بن زکریا رازی (۳۱۳هـ) معروف‌ترین پزشک تجربی مسلمان، رساله‌ای با نام *کتاب فی الفصد* داشته که مشتمل بر بیست باب بوده و آقا بزرگ تهرانی، ترجمه فارسی این کتاب را دیده است. *رسالة فی الفصد* تألیف امین الدولة ابی الحسن هبة‌الدین صاعد بن ابراهیم معروف به ابن سلمه (۵۶۰هـ) و کتابی از قسطابن لوقا بعلبکی (۲۵۰هـ) نیز از آن جمله بوده است. ابوعلی سینا (۴۲۸هـ) نیز رساله‌ای به نام *رسالة فی العروق المفصودة* داشته است. هم‌چنین وی از رساله‌ای فارسی تألیف ابوالحسن علی بن محمد گرگانی فصاد نام برده است.^۵

علاوه بر آثار فوق، می‌توان به چند رساله دیگر در زمینه فصد اشاره کرد: *رسالة الامینیة فی الفصد* تألیف هبة بن عبدالله معروف به ابن تلمیذ (قرن ششم هجری)، کتاب *دستور الفصد* تألیف طیبی به نام محمد بیک که نسخه خطی این هر دو کتاب، در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. کمال‌الدین حسین شیرازی نیز رساله مختصری در باب فصد داشته که این اثر، یکی از هشت رساله ضمیمه شده به کتاب *منافع الافضلیة* تألیف حکیم افضل بن محمد امین قزوینی می‌باشد. به این منابع، باید کتاب *درع الصحه* را افزود که رساله‌ای در حجامة، فصد و زالو انداختن تألیف محمد کاظم بن محمد طیب طهرانی (۱۰۹۴هـ) است.

غیر از کتاب‌های پزشکی که ذکر آن‌ها گذشت، در میان برخی منابع مربوط به حسبه نیز می‌توان اطلاعات مفیدی در خصوص فصد یافت. یکی از این کتاب‌ها *معالم القرية فی احکام*

۱. فصل دوم از مقاله دهم.

۲. فصل دوم از مقاله دوم.

۳. ابن القفطی، ۱۸۱.

۴. ابن ندیم، ۴۱۲؛ ابن القفطی، ۵۱۴.

۵. تهرانی، آقا بزرگ، ۲۲۵/۱۶-۲۲۷.

الحسبة تألیف ابن اخوة (۷۲۹-۶۴۸هـ) است که در بخش مختص به حسبت بر فسادان، به شرایط فسادان و نحوه انجام کار توسط ایشان پرداخته است.^۱

شرایط و مقتضیات انجام عمل فصد

ضرورت و منفعت فصد: به اعتقاد پزشکان قدیم، بدن انسان از چهار خلط به نام‌های خون، بلغم، صفرا و سودا تشکیل می‌شد. اگر میزان این چهار خلط در حد تعادل و تناسب می‌بود،^۲ بدن در حالت سلامت قرار داشت، اما اگر تعادل و تناسب این اخلاط خواه به سبب کاهش و خواه به سبب افزایش، به هم می‌ریخت، بدن دچار بیماری می‌شد. چنانچه همه اخلاط بدن به یکباره افزایش می‌یافت،^۳ از طریق فصد مقداری از هر کدام از این اخلاط را کاهش می‌دادند. از این رو پزشکان قدیم می‌گفتند که فصد استفراغی کلی است.^۴ هنگامی که فسادان، رگی از بدن را شکافته و بخشی از خون را از رگ‌ها بیرون می‌آوردند، با مشاهده خون بیرون آمده از بدن بیمار، به احوال خون آشنا می‌شدند^۵ و برای رفع مشکل بیمار، چاره‌اندیشی می‌کردند. به طور مثال، اگر خون بیرون آمده از رگ‌ها بیش از حد معمول رقیق بود، بلافاصله باید آن رگ را می‌بستند.^۶

پزشکان قدیم در دو حالت از رگ‌زدن استفاده می‌کردند: یکی برای فردی که بدنش در معرض تهدید بیماری بود و دیگر برای کسی که در اثر زیادی خون دچار بیماری می‌شد.^۷ فصد در هر کدام از این دو مورد، احتمالاً برای اصلاح سه حالت انجام می‌گرفت: اول موقعی که خون بیشتر از اندازه بود؛ دوم موقعی که خون کیفیت لازم را نداشت^۸ و سوم موقعی که خون هم زیاد بود و هم فاقد کیفیت لازم.^۹ در چنین مواردی، تصور می‌رفت اگر انجام فصد به تأخیر افتد،

۱. ابن اخوة، ۱۷۱-۱۷۲.

۲. محقق، ۳۳.

۳. ابن القف، ۱۶۷/۱.

۴. ابن سینا، ۵۹۶/۱.

۵. جرجانی، نخیره، ۲۱۲/۳.

۶. همان، ۲۱۶/۳.

۷. محمد بیک، ۶.

۸. طبیب طهرانی، ۹۷ و ۱۰۱.

۹. همو، ۱۲۵.

به احتمال زیاد، بیماری‌های خطرناکی هم‌چون سرسام، حصبه، خُنَاق، خون آمدن از گلو و نیز سکتة در افراد ایجاد شود.^۱ حکیم میسری به زیبایی تمام این مطلب را چنین به نظم کشیده است:

کسی کش غلبه دارد خونش آن به که هر وقتی که باشد رگ زند به
و آن کس کش نباشد غلبه خون نباید کآورد آن خون به بیرون
اگر خون بر کسی بر غلبه دارد و زود از خویشتن خون بر ندارد
بدو نزدیک باشد درد برسام تب گرم و حرارت‌ها و اورام^۲

در برخی اشعار فارسی نیز زیادی خون و فساد و تباهی آن از انگیزه‌های اصلی فصد شمرده شده است:

نعمت الالوان دنیا مایه دردسر است خون فاسد در بدن آهن‌ربای نشتر است^۳
موقعیت مهم دیگری که استفاده از فصد ضرورت می‌یافت، زمانی بود که می‌خواستند از جریان خون به یکی از اعضای بدن بیمار جلوگیری کنند. اگر هدف برطرف کردن درد بود، فصد را در نزدیک‌ترین رگ به محل درد انجام می‌دادند و اگر غرض، پیش‌گیری از درد بود، دورترین رگ را برای این منظور انتخاب می‌کردند؛ ولی در هر دو مورد، رگی که برای خون‌گرفتن انتخاب می‌شد، در همان سمت آسیب‌دیده بود.^۴

بنابر آنچه گذشت، به وسیله فصد، جان افراد بسیاری نجات داده شده است؛ مثلاً در دوران حکومت صفویان در ایران پزشکی به نام حکیم عمادالدین محمود ملقب به جالینوس زمان، فردی را که پنداشته می‌شد، مرده است و قصد به خاک سپردنش را داشتند، فصد کرد و از مرگ نجات داد و بدین‌سان دریافتند که او نمرده بوده، بلکه فقط دچار سکتة شده بوده است.^۵

فصادان در قسمت مخصوصی از بازار موسوم به بازار داروفروشان، دکان مخصوصی داشتند و احتمالاً در همان‌جا فصد می‌کردند؛ گاه نیز فصادان در حمام‌ها فصد می‌کردند؛ ولی انجام

۱. طبیب طهرانی، ۱۰۵.

۲. میسری، ۱۹۲.

۳. باقری خلیلی، ۳۲.

۴. الگود، ۳۴۰.

۵. واله قزوینی، ۴۵۶.

فصد در ملاً عام ممنوع بود. در میان طبقات پایین اجتماع، این کار در باغچه یا حیاط خانه‌ها انجام می‌گرفت.^۱ البته شواهد موجود نشان از انجام این عمل در کوچه و خیابان نیز دارد.^۲ زمان مناسب برای انجام فصد، معمولاً در روشنائی به‌ویژه در ساعت دوم یا سوم از روز، در روزهای یکشنبه و سه‌شنبه^۳ و در نیمه دوم ماه قمری که نور ماه شروع به کم شدن می‌کرد^۴ و ترجیحاً زمانی غیر از فصل زمستان^۵ بود. منابع پزشکی قدیم درباره علت انتخاب این روزها و ساعت‌ها و فصل‌ها سخنی نگفته‌اند؛ اما قطعاً این کارها بر اساس اعتقادات رایج در پزشکی قدیم بوده که زمان و مکان و فصول سال را در عملکرد بدن انسان، افزایش و کاهش اخلاط و حتی تأثیر غذاها بر بدن، مؤثر می‌دانستند.^۶ پزشکان توصیه می‌کردند در زمان‌هایی که هوا گرم و خشک است، مثل ماه خرداد (برج جوزا)^۷ و یا سرد و خشک، مثل ماه‌های آبان تا دی،^۸ عمل فصد انجام نشود.^۹ خاقانی شروانی در این باره سروده است:

به چاه جاه چه افتی و عمر در نقصان
 به قصد فصد چه کوشی و ماه در جوزا^{۱۰}
 فصد اشخاص بالغ و گرم‌مزاج معمولاً در فصل بهار^{۱۱} به‌ویژه در اولین ماه بهار^{۱۲} و در ساعات اولیه روز^{۱۳} و پس از هضم غذا و بعد از کارکردن شکم، توصیه می‌شد؛^{۱۴} اما فصد اختیاری را در هنگام ظهر انجام می‌دادند.^{۱۵} علت مناسب بودن فصل بهار برای انجام فصد، آن

۱. الگود، ۳۴۰.

۲. شاردن، ۱۱۲۵/۳.

۳. تفلیسی، ۳۶/۱؛ زهراوی، ۲۵۸.

۴. قزوینی، عبدالکریم، ۵۲۱.

۵. راوندی، مرتضی، ۴۰۱/۱۰.

۶. ابن بطلان بغدادی، در تمام صفحات کتاب *تقویم الصحة*، به ارتباط زمان و مکان با شرایط جسمی انسان و تأثیر داروها و غذاها، تأکید کرده است؛ الگود، ۳۴۱.

۷. سومین برج از برج‌های دوازده‌گانه فلکی.

۸. امام رضا(ع)، ۵۳ و ۵۴.

۹. ابن ربن طبری، ۳۳۵.

۱۰. خاقانی شروانی، ۷.

۱۱. الاخوانی، ۱۸۴؛ محمدبیک، ۶؛ الگود، ۳۴۱.

۱۲. امام رضا (ع)، ۵۰.

۱۳. ابن ربن طبری، ۳۳۵؛ جرجانی، خفی علائی، ۶۲.

۱۴. بدری، ۹۴.

۱۵. باقری خلیلی، ۳۳.

بوده که به پندار قدما، در این فصل، بدن انسان با هیجاناتی همراه می‌شد که بر اثر آن هیجانات، بیم کمبود خون در بدن وجود نداشت.^۱

پزشکان قدیم و فسادان اعتقاد داشتند که هریک از اعضای بدن با یکی از برج‌های دوازده‌گانه ارتباط دارد و از نظر ایشان، خون گرفتن از هر عضوی، در صورتی که تحت تأثیر برج مربوط به خود قرار داشت، کار خطرناکی به شمار می‌رفت؛ بنابراین، پیش از انجام فصد بایست برج‌های فلکی را ملاحظه می‌کردند. اگر قمر در برج ثور و یا اسد قرار داشت، فصد، نامطلوب پنداشته می‌شد^۲ و انجام آن به زمان دیگری موکول می‌گردید؛ اما در مواردی مانند سگته و گلوگرفتگی (تنگی نفس) که انجام فصد ضرورت داشت، فسادان بدون توجه به سعد و نحس ایام، این عمل را انجام می‌دادند.^۳

عمل فصد با وجود فواید بسیار به‌مثابه یک روش درمانی، گاه مضراتی را نیز به دنبال داشت و تأثیر معکوس بر بدن بیمار می‌گذاشت. ضعف نیروی بدن، فلج، لَقوه، بی‌اشتهایی، ضعف معده و کبد، رَعشه،^۴ طولانی‌شدن بیماری، سوء مزاج، استسقا، پیری زودرس و حتی در مواردی مرگ بیمار، از جمله تبعات و عوارض فصد بود.^۵

رگ‌هایی که در عمل فصد شکافته می‌شدند، دو نوع بودند: نخست شریان‌ها یا رگ‌های جهنده و دوم وریدها یا رگ‌های غیر جهنده. اما عمل فصد، بیشتر در مورد رگ‌های خاصی از بدن صورت می‌گرفت. تعدادی از آن‌ها در ناحیه سر قرار داشت که از جمله آن‌ها می‌توان به رگ یافوخ^۶ (العرق الهامة)، رگ‌های دوگانه روی گردن،^۷ رگ پیشانی،^۸ رگ پشت‌سر،^۹ رگ‌های دوگانه پشت گوش^{۱۰} (حَشَشَاء)، رگ ارنیه،^{۱۱} دو رگ به نام عرق ماقین^{۱۲} و رگ زیر زبان^{۱۳} اشاره

۱. امام رضا(ع)، ۱۲۶.

۲. الگود، ۳۴۱.

۳. تفریسی، ۳۶/۱.

۴. همو، ۳۶/۱.

۵. طبیب طهرانی، ۱۰۶-۱۰۵.

۶. محمدبیک، ۹. fontanel vein؛ محرری، باورقی ذخیره خوارزمشاهی، ۲۳۰/۳؛ emissary vein: دورلند، ۵۳۴.

۷. محمد بیگ، ۱۲. نام امروزی و معادل لاتینی این دو رگ، در منابع پزشکی جدید قابل تطبیق نیست و موفق به یافتنش نشدیم.

۸. supraorbital vein: دورلند، ۱۴۵۴.

۹. نام امروزی و معادل لاتینی این دو رگ، در منابع پزشکی جدید قابل تطبیق نیست و موفق به یافتنش نشدیم. ۱۰. ابن تلمیذ، ۵؛ post auricular vein: دورلند، ۱۲۳۳.

۱۱. رگی در سر بینی یا کنار پره‌های بینی ذکر شده است. (دهخدا، ذیل "ارنیه").

۱۲. nasofrontal vein: دورلند، ۱۰۲۲. این دو رگ نیز از رگ‌های بینی هستند.

۱۳. sublingual vein: همو، ۱۴۴۴.

کرد.^۱ دوازده مورد از این رگ‌ها در دست‌ها قرار داشت، یعنی در هر یک از دست‌ها، شش رگ فصد می‌شد:

۱. رگ قیفال: ^۲ قیفال در زبان یونانی به معنای کناره هر چیز است و از آن‌جا که این رگ در کنار آرنج قرار گرفته، آن را قیفال نامیده‌اند که تحت عنوان العرق الکتفی نیز معروف است.^۳
۲. رگ اکحل: ^۴ این رگ در زیر قیفال و در بالای باسلیق قرار گرفته و از آن دو رگ، انشعاب یافته است.
۳. رگ باسلیق: ^۵ باسلیق در زبان یونانی به معنای بزرگ است. این رگ بزرگ از زیر بغل آمده و با رگی که از کتف می‌آید، یکی می‌شود.
۴. رگ حبل الذراع: ^۶ این رگ، ورید باریکی در کناره داخلی ساعد است.
۵. رگ ابطی یا زیر بغل: ^۷ این رگ شعبه‌ای از رگ باسلیق است ^۸ که در مرفق واقع شده است.
۶. رگ اُسَیلم ^۹ یا اسلیم: ورید بین دو انگشت حلقوی و کوچک دست است.^{۱۰}

تعداد رگ‌های مناسب برای فصد در هر پا، چهار رگ و در مجموع هشت رگ بود. این رگ‌ها عبارت بودند از: رگ مَبْض الرکبه در پشت زانو^{۱۱} که فصد آن برای درد مَقْعَد و بَوَاسیر و درد رَجَم زنان مفید بود؛^{۱۲} رگ صافن^{۱۳} در قسمت داخلی در ساق پا؛ عرق النِّساء^{۱۴} در قسمت کناری از ساق پا و رگ پشت پا.^{۱۵}

۱. ابن القف، ۱۶۹/۱.
 ۲. Cefalic vein: محرری، همان، ۹۳/۱؛ دورلند، ۲۹۹.
 ۳. ابن القف، ۱۶۹/۱.
 ۴. Median cubital vein: محرری، همان، ۹۴/۱؛ انوری، ۵۱۳.
 ۵. انوری، ۷۷۸: Basilic vein: محرری، همان، ۹۴/۱.
 ۶. Accessary cephalic Vein: محرری، همانجا؛ دورلند، ۱۰.
 ۷. Axillary Vein: محرری، همان، ۹۲/۱.
 ۸. ابن القف، ۱۶۹/۱.
 ۹. ارزانی، ۱۹؛ dorsal metacarpal vein: دورلند، ۴۹۱؛ ۹۳۱.
 ۱۰. زهراوی، ۲۵۲؛ ابن القف، ۱۶۹/۱؛ چغمینی، ۸۵؛ شیرازی، ۵۶۴.
 ۱۱. شیرازی، ۵۶۵؛ popliteal vein: محرری، ۲۳۰/۳؛ دورلند، ۱۲۲۹.
 ۱۲. ارزانی، ۲۰.
 ۱۳. نام این رگ در پزشکی امروز نیز کاربرد دارد. دهخدا، ذیل کلمه "صافن".
 ۱۴. باقری خلیلی، ۲۴؛ sciatic vein: دورلند، ۱۳۵۸.
 ۱۵. ابن القف، ۱۶۹/۱.

دو مورد از رگ‌های شکم نیز فصد می‌شد که یکی از آن‌ها بر روی کبد قرار داشت و دیگری بر روی طحال بود.^۱

هر یک از رگ‌های مذکور، برای درمان اندام‌های خاص و بیماری‌های ویژه فصد می‌شد. مثلاً برای درمان بیماری سل، سوء هاضمه، زخم مثانه، حصر بول یا بند آمدن ادرار،^۲ کمردرد، داء الفیل (ورم پا) و واریس، رگ باسلیق را فصد می‌کردند.^۳ برای درمان سرسام، رگ پیشانی فصد می‌شد و برای درمان بیماری‌هایی نظیر صرع،^۴ تورم گوش‌ها^۵ و خونریزی‌های شدید بینی، رگ قیفال را می‌زدند.^۶ برای درمان حصر خون قاعدگی در بانوان نیز، از رگ صافن در پا، خون گرفته می‌شد.^۷ برای درمان برخی از انواع نازایی‌ها نیز فصد توصیه می‌شد. برای این کار ابتدا رگ باسلیق و پس از گذشت یک هفته رگ صافن را فصد می‌کردند.^۸

چگونگی انجام عمل فصد و مراقبت‌های لازم

پیش از انجام فصد، فساد باید وضع بدن بیمار با دقت در نظر گیرد تا دریابد آیا می‌توان آن بیمار را فصد کرد یا نه؟ از جمله پیش آگاهی‌های ضروری، میزان سن بیمار، مزاج بیمار، فصل بیماری، وضع آب و هوا، محل زندگی وی، وضع ظاهری بیمار مانند چاقی و لاغری و نیز قوت و یا ضعف دهانه معده بود. پس از ملاحظه این شرایط، اگر مانعی برای اجرای فصد نبود، فساد وظیفه داشت با ملاحظه رگ مورد نظر، زمان شکافتن رگ، مقدار خون و نوبت‌های خون‌گیری، عمل فصد را انجام دهد.^۹

۱. همان؛ ابن تلمیذ، ۵: anterior tibialis vein : دورلند، ۹۳: ۱۵۳۳.

۲. الاخوانی، ۳۳۶ و ۳۶۵.

۳. رازی، من لا یحضره الطبیب، ۱۱۳ و ۱۱۴.

۴. همو، الحاوی، ۱/ ۱۲۷.

۵. ابن زهر، ۳۷.

۶. رازی، من لا یحضره الطبیب، ۷۰.

۷. الاخوانی، ۵۲۰.

۸. همو، ۵۴۴.

۹. جرجانی، نخیره، ۲۱۶/۳.

در منابع پزشکی قدیم، انجام عمل فصد برای برخی افراد، از جمله: افراد تب‌دار، بیماران ساکن در شهرهای سردسیر، کسانی که قبل از عمل فصد به حمام رفته باشند^۱ و افراد دچار ضعف معده و کبد،^۲ ممنوع اعلام شده است. همچنین افرادی که چهره‌های زردی دارند،^۳ افراد مست،^۴ افراد گرسنه و افرادی که شکمشان پر است،^۵ از انجام عمل فصد منع می‌شدند. این مورد اخیر را میسری در بیت زیر بیان کرده است:

به سیری گر کسی رگ می‌گشاید بدو بر درد و علت‌ها می‌فزاید^۶

براساس مطالب برخی منابع قدیم، برای درمان بیماران برخی مناطق مانند مناطق گرمسیر،^۷ و نیز در مورد اهالی سرزمین گل (فرانسه) و برخی مناطق سرد اروپا نیز نباید از فصد استفاده کرد.^۸

فصادان توصیه می‌کردند بیمار تا ۱۲ ساعت پیش از انجام فصد، از آمیزش اجتناب کند.^۹ به منظور پیش‌گیری از بیهوش شدن بیمار در حین عمل فصد، پیش از فصد به وی نوشیدنی‌های ترش مزه مانند آب انار، آب‌غوره و یا آب سیب ترش داده می‌شد.^{۱۰}

در هنگام انجام عمل فصد، مانند حجامت لازم بود تا پیش از نیشتر زدن، محل فصد در بدن و همین‌طور نیشتر، چرب شود تا درد کمتری برای بیمار پدید آید. فصاد چند قطره روغن به روی رگ‌ها می‌مالید تا رگ‌ها را مشخص کند و مانعی برای شروع کار نباشد.^{۱۱}

فصاد باید رگ‌های قسمت‌های کم‌گوشت بدن را برای فصد برمی‌گزیند؛^{۱۲} زیرا کم‌بودن گوشت محل فصد، موجب کاهش درد می‌شد. فصادان به تجربه دریافته بودند که فصد رگ بازو

۱. زهراوی، ۲۵۸.

۲. ابن القف، ۱/۱۶۸؛ محمد بیک، ۶.

۳. ابن ربن طبری، ۳۳۵.

۴. منیه، ۱۲۴.

۵. جرجانی، ذخیره، ۳/۲۲۰.

۶. میسری، ۱۹۲.

۷. ابن قییم، ۴۲.

۸. منیه، ۱۲۴. در این باره، در قسمت تعهدات فصادان توضیحات بیشتری ارائه شده است.

۹. دهرسخی اصفهانی، ۱۳۶.

۱۰. جرجانی، خفی علائی، ۶۱.

۱۱. امام رضا(ع)، ۶۵.

۱۲. زهراوی، ۲۵۴.

و دست، دردناک‌تر از سایر رگ‌ها است؛ چون پوست‌های آن‌ها لخت و محکم است؛ ولی فصد رگ باسلیق و رگ اکخل در صورتی که روی آن‌ها گوشت زیادی نمی‌بود، با درد کمتری همراه می‌شد.^۱ با وجود منافع فراوان مذکور برای فصد رگ اکخل، شکافتن این رگ، بسیار پرخطر بود؛ چون در زیر این رگ، شریان قرار گرفته و دو عصب این شریان را احاطه کرده‌اند.^۲

فصاد وظیفه داشت تا بیشتر خود را بین دو انگشت شست و میانی گرفته و انگشت سبابه‌اش را آزاد بگذارد تا پس از یافتن رگ مورد نظر، آن را محکم بگیرد.^۳ در مورد رگ‌های سطحی پشت دست‌ها، برش به شکل طولی انجام می‌گرفت؛ ولی در بیشتر سیاهرگ‌ها، این کار به صورت مایل انجام می‌شد.^۴ رگ اُسَیْلِم یا اسلیم به صورت طولی و رگ حَبَل الذَّرَاعِ^۵ و قیفال و باسلیق به شکل مایل فصد می‌شد؛ در غیر این صورت، محل فصد شده، ورم می‌کرد.^۶ محل فصد شده را معمولاً با دستمال گرم و بخار آب، گرم نگه می‌داشتند تا خون ظاهر شود؛ به ویژه در فصل زمستان که از این طریق، پوست بدن را نرم می‌کردند و علاوه بر کاهش درد، فصد نیز آسان انجام می‌گرفت.^۷

چنانچه فصد در حیاط یا باغچه خانه بیماران انجام می‌شد، بیمار را به حالت چمباتمه می‌نشاندند و در کنار او سوراخ کوچکی در زمین حفر می‌کردند. فصاد، شریان بند را دور بازوی بیمار می‌بست و پس از مالش دادن رگ مورد نظر، نوک چاقو یا بیشتر را در رگ فرو می‌برد. شکافی که فصاد در زمستان بر رگ بیمار ایجاد می‌کرد، باید پهن‌تر می‌بود تا خونش منعقد نشود؛ در حالی که در تابستان شکاف کوچک‌تری ایجاد می‌شد تا از بیهوشی بیمار جلوگیری کند.^۸ پر شدن سوراخ زمین از خون نشان می‌داد به قدر کافی خون گرفته شده است؛ اگر بیمار از هوش می‌رفت، فصاد مقداری از خاک باغچه را بر روی رگ او می‌ریخت و یک قطعه پنبه بر

۱. دهرسخی اصفهانی، ۱۳۶.

۲. ابن اخوه، ۱۷۳.

۳. ابن سینا، ۶۱۱/۱.

۴. الگود، ۳۳۹.

۵. ابن اخوه، ۱۷۳.

۶. جرجانی، خفی علائی، ۶۳.

۷. دهرسخی اصفهانی، ۱۳۶.

۸. ابن القف، ۱۶۷/۱؛ ابن اخوه، ۱۷۲؛ ابن تلمیذ، ۳؛ نجم آبادی، ۷۹۹.

آن می گذاشت و آن را با دستمال خود بیمار محکم می بست.^۱ به نظر می رسد روش های دیگری هم برای شناسایی زمان توقف عمل خون گیری وجود داشته است. برخی صاحب نظران، زمان تغییر رنگ خون^۲ و یا سرخ شدن و رقیق شدن آن را برای جلوگیری از خونریزی توسط پزشک یا فصاد مناسب دانسته اند.^۳

پس از انجام عمل فصد، و خروج خون به اندازه لازم، فصاد به سرعت رگ فصد شده را می بست و مرهمی از کافور و گلاب در محل فصد می گذاشت.^۴ گاه این مرهم را از گیاهانی مانند اقاقیا، گلنار، صبرزرد (آلوئه ورا)، کندر و قَلَقَطَار (زاگ زرد) تهیه می کردند.^۵

گاه بستن رگ فصد شده از طریق داغ کردن^۶ و با استفاده از ابزار فلزی به نام مِکَوَاة یا داغ کننده، انجام می گرفت. پس از انجام فصد، فصاد بایست اطراف محل فصد شده را می شست و سپس آن را خوب خشک می کرد تا ورم و عفونت نکند^۷ و محل زخم به مدت ده روز به وسیله پارچه ای، بسته می ماند.^۸ فصاد به بیمار توصیه می کرد تا پس از فصد، ضمن پرهیز از پرخوری،^۹ غذا را آهسته بخورد و از خوراکی های لطیف استفاده کند،^{۱۰} به هنگام استراحت بر پشت دراز بکشد، اما نخوابد،^{۱۱} از خوردن غذاهای شور^{۱۲} به ویژه گوشت ها و ماهی های پرنمک

۱. الگود، ۳۴۰.

۲. ابن اخوه، ۱۷۲.

۳. جرجانی، نخیره، ۱۳۷/۳.

۴. قزوینی، عبد/الکریم، ۵۱۶؛ چغمینی، ۱۳۶.

۵. ارزانی، ۲۱؛ قزوینی، افضل بن محمد، ۳۴.

۶. ابن ربن طبری، ۳۳۷.

۷. ابن سینا، ۶۱۲/۱-۶۱۰؛ جرجانی، نخیره، ۲۳۹/۳.

۸. ارزانی، ۲۱.

۹. ابن القف، ۱۷۴/۱.

۱۰. ابن زهر، ۳۷.

۱۱. ابن اخوه، ۱۷۲؛ نجم آبادی، ۷۹۸.

۱۲. آوازه رضوی، ۱۲۵.

اجتناب کند^۱ و به منظور کاهش صفرا، خوراکی‌های ترش مزه بخورد.^۲ پزشکان، خوردن گوشت بره شیرخواره را برای افراد فصد شده، توصیه می‌کردند.^۳

جایگاه اجتماعی فسادان و تعهدات ایشان

فسادان با این‌که با جان و سلامت مردم و مسائل درمانی ارتباط داشتند، معمولاً از طبقات پایین دست جامعه به شمار می‌رفتند و گاه برای تأمین هزینه زندگی خود، به کارهایی مانند سلمانی (آرایش‌گری) و دلاکی نیز می‌پرداختند. از این رو رگ‌زنان معمولاً مورد احترام مردم نبودند و رگ‌زن خواندن اشخاص، نوعی تحقیر و دشنام شمرده می‌شد.^۴ رگ‌زن‌ها در برخی دوره‌ها گواهی و مدرک مخصوص داشتند^۵ و از نظر تعلیم و مقررات انضباطی، تابع پزشکان بودند و لازم بود اطلاعات کافی در زمینه تشریح داشته باشند،^۶ اندام‌های سطحی و اندام‌های داخلی بدن و عضلات و شریان‌ها و وریدهای سطحی نام‌گذاری شده را به‌خوبی بشناسند^۷ تا نیشترشان را به رگ‌های نامناسب یا عضله و شریان نزنند؛ زیرا این عمل مرگ بیمار را به دنبال داشت. همچنین لازم بود تا با طبایع و مزاج‌ها، داروهای مسهل، منضج‌ها، تأثیرات فصول و روزها و ساعات انجام فصد و نیز با نحوه انجام فصد در هر بیماری خاص و در هر جنس (مذکر و مؤنث) آشنا باشند.^۸

فسادان وظیفه داشتند پیش از عمل فصد بر روی بدن انسان، اطلاعات خود را بر روی رگ‌های برگ چغندر،^۹ برگ کلم و رگ‌های بره و بزغاله آزمایش کنند تا مهارت کافی در زمینه رگ‌زنی به دست آورند. فصاد در دوره‌های آغازین اجرای فصد بر روی انسان، معمولاً تا مدتی تحت نظارت استاد خویش کار می‌کرد و پس از گذشت مدتی مشخص و پس از کسب تجربه

۱. امام رضا(ع)، ۶۷.

۲. تفسیری، ۳۶/۱.

۳. بغدادی، ۹۷.

۴. الگود، ۲۸۲.

۵. راوندی، مرتضی، ۴۹۶/۵.

۶. ابن القف، ۱۶۷/۱.

۷. الگود، همانجا.

۸. نجم آبادی، ۷۹۸.

۹. الگود، ۲۸۱.

لازم در این زمینه، می‌توانست به تنهایی به فصد بیماران بپردازد.^۱ به غیر از فسادان و جراحان، لازم بود دامپزشکان نیز با فصد آشنایی داشته باشند.^۲

فسادان متعهد می‌شدند در مواقعی که تعادل روانی مناسبی نداشتند، از فصد کردن بپرهیزند.^۳ تمام رگزن‌ها مجبور بودند پیش از شروع به کار، در برابر محتسب سوگند بخورند که هرگز پیش از مشورت با یک پزشک، در مورد کودکان^۴ به‌ویژه افراد زیر ۱۴ سال، سالمندان به ویژه افراد بالای ۶۰ سال،^۵ در مورد مبتلایان به کم‌خونی و لاغری مفرط و بیماری‌های مزمن و اشخاص با مزاج‌های فوق‌العاده سرد یا مبتلا به دردهای شدید یا دارای بدن‌های متخلخل و یا سفید و سست، اقدام به رگ‌زدن نخواهند کرد.^۶ فسادان بایست سوگند می‌خوردند هرگز از رگ‌های سر موسوم به وُصواف واقع در پشت دو گوش، خون نخواهند گرفت؛ چون بریده‌شدن این رگ‌ها از تولید مثل جلوگیری می‌کند.^۷ آنان موظف بودند تا زندانی را جز با اجازه ولی وی،^۸ برده را جز با اجازه صاحبش، کودک را جز با اجازه سرپرستش^۹ و بانوان آبستن را بدون رضایت و اطلاع نزدیکانش^{۱۰} فصد نکنند. فصد کردن افراد دارای سابقه ابتلا به صرع و سکنه و مالیخولیا، ممنوع بود و در مورد زنان حائض و یا افراد مبتلا به قولنج نیز، فصد تجویز نمی‌شد.^{۱۱} محتسبان بر ابزار مورد استفاده توسط فسادان نیز نظارت داشتند.^{۱۲} پس روشن است که فعالیت فسادان تا حدی تحت نظر پزشکان و به‌ویژه محتسبان قرار داشته است؛ اما با وجود

۱. جرجانی، ذخیره، ۲۴۲/۳.

۲. راوندی، مرتضی، ۳۰۰/۱۰.

۳. ابن القف، ۱۶۸/۱؛ نجم آبادی، ۷۹۸.

۴. بدری، ۹۳.

۵. زهراوی، ۲۵۸؛ ابن‌اخوه، ۶۰۰/۱؛ ابن تلمیذ، ۱۱؛ العبیدی، ۱۵۰.

۶. ابن‌اخوه، ۱۷۱؛ نجم آبادی، ۷۹۸.

۷. ابن سینا، ۶۰۹/۱؛ ابن‌اخوه، ۱۷۲.

۸. ابن‌القف، ۱۶۷/۱.

۹. ابن‌اخوه، ۱۷۱؛ ابن تلمیذ، ۱۱.

۱۰. ابن القف، ۱۶۷/۱.

۱۱. ابن سینا، ۵۹۸/۱-۵۹۷.

۱۲. الگود، ۲۸۲.

قوانین مشکلی که برای فصادان وضع شده بود، گاه آرایش‌گران و حتی دلاکان نیز - احتمالاً به شکل پنهانی - فصد می‌کردند.^۱

اگر یک فصاد در انجام فصد اشتباه می‌کرد، به شدت مجازات می‌شد. به گزارش جرجانی، در بغداد در قرن ششم هجری، اشتباه یک فصاد در تشخیص رگ، موجب مرگ یک بیمار شد. والی بغداد دستور داد تا آن فصاد را قصاص کنند. اما قاضی به این دستور اعتراض و از فصاد دفاع کرد و گفت: ساختار بدن این بیمار استثنائی و متفاوت از انسان‌های عادی بوده است. به گونه‌ای که در بدن این بیمار، در جایی که باید رگ اکحل قرار داشته باشد، شریان قرار داشته است و این موردی غیرعادی بوده، از این رو فصاد را آزاد کردند.^۲

رگزن‌ها معمولاً علاوه بر رگ‌زدن، عمل ختنه را هم انجام می‌دادند. از این‌رو، معمولاً قیچی و تیغ نیز به همراه داشتند. با این‌که کار یک فصاد، طبق مقررات رایج، فقط به خون-گرفتن محدود می‌شد، گاه فصاد در خفا برای ارباب‌رجوع خود نسخه نیز می‌نوشت. رگزن معمولاً برخی داروهای ساده را همراه داشت و گاه جراحی‌های کوچک مانند بازکردن دمل یا درآوردن استخوان ماهی از گلوی بیمار را نیز انجام می‌داد و ظاهراً تنها شکل از جراحی‌های کوچک که فصاد بدان دست نمی‌یازید، کشیدن دندان بود؛ چون این عمل بر عهده پزشکان و جراحان رسمی گذاشته شده بود.^۳

قربانیان فصد

در تاریخ اسلام به کرات نام اشخاص مشهور و صاحب منصب بسیاری ذکر شده که در حین فصد یا بلافاصله پس از آن، جان خود را از دست داده‌اند. از جمله آن‌ها می‌توان به الهادی خلیفه عباسی (خلافت: ۱۶۹-۱۷۰هـ) اشاره کرد که احتمالاً بنا به دستور مادرش فصد شد و جان باخت.^۴ برخی هم علت مرگ المنتصر عباسی (خلافت: ۲۴۷-۲۴۸هـ) را فصد وی با نیشتر مسموم به دستور ترکان و توسط طبیبی به نام ابن‌الطیفوری دانسته‌اند.^۵ محمدبن جعفر الصادق (ع) معروف به محمد دیباج (د ۲۱۰هـ) در دوران خلافت مأمون (۱۹۸-۲۱۸هـ) در حمام

۱. شاردن، ۱۱۲۵/۳؛ ۱۴۵۸/۴.

۲. جرجانی، ذخیره، ۲۳۵/۳.

۳. الگود، ۲۸۲.

۴. ابن جوزی، ۳۳۵/۸.

۵. طبری، محمدبن جریر، ۲۵۱/۹؛ مسکویه، ۳۱۷/۴.

فصد شد و در اثر آن از دنیا رفت.^۱ المقتدر عباسی (خلافت: ۲۹۵-۲۹۶هـ) نیز در سال ۲۹۸هـ بر اثر فصد از دنیا رفت.^۲ در سال ۳۴۶هـ در بغداد بیماری ورم گلو شایع شد و افرادی بر اثر این بیماری جان باختند. در این هنگام افراد زیادی به امید بهبود، به فصد توسل جستند؛ ولی هیچ-یک از این افراد نیز جان سالم به در نبرده، از دنیا رفتند.^۳ ابوکالیجار (حک: ۴۱۵-۴۴۰هـ) از امیران آل بویه شاخه فارس و خوزستان، در سال ۴۴۰هـ پس از سه نوبت فصد در یک روز، از دنیا رفت.^۴ براساس برخی روایات، سلطان ملکشاه سلجوقی (حک: ۴۶۵-۴۸۵هـ) نیز در اثر فصد وفات یافته است.^۵ المقتدی خلیفه عباسی (۴۶۷-۴۸۷هـ) نیز برای درمان تبی که بعد از شکار بر او عارض شده بود، فصد کرد، ولی نجات نیافت و جان باخت.^۶ ابن السبعین (۶۱۳-۶۶۹هـ) از لغت‌دانان مسلمان اندلس و صاحب کتاب *الحروف الوضعیة*، نیز در سال ۶۶۹هـ پس از فصد کردن دستش در مکه، خون زیادی از دست داد و بر اثر آن جان باخت.^۷

گاه از فصد به‌مثابه قاتلی خاموش و روشی برای از بین بردن دشمنان استفاده شده است. از جمله حافظ ابو عبدالله صوری (د ۴۴۱هـ) - از محدثان معروف - به علت ورمی که در دستش ایجاد شده بود، اقدام به فصد کرد؛ چون بیشتر فساد مسموم بود، از دنیا رفت.^۸ پزشکان، خلیفه القائم عباسی (خلافت: ۴۲۲-۴۶۷هـ) را به سبب ابتلا به بیماری بواسیر فصد کرده بودند، ولی او نیز قربانی این روش درمانی گردید و جان سپرد.^۹ برخی فخرالدوله وزیر القائم را در مرگ وی مقصر دانسته‌اند.^{۱۰} بر اساس روایات، سلطان محمد بن ملکشاه (حک: ۴۹۸-۵۱۱هـ) که فردی گرمزاج بود، یک‌بار در ماه فصد می‌کرد. سعد الملک آوجی، فساد را فریب داد تا سلطان را با نیشتری زهرآلود فصد کند و به این ترتیب وی را به قتل برساند.

۱. ابن جوزی، ۱۲۱/۱۰.

۲. همو، ۱۵۵/۱۳.

۳. مسکویه، ۲۰۶/۶؛ ابن جوزی، ۱۰۹/۱۴.

۴. ذهبی، ۳۳۶/۲۹.

۵. راوندی، محمدبن علی، ۵۲۲/۴؛ ابن جوزی، ۳۱۲/۱۶.

۶. ابن طقطقی، ۲۸۵.

۷. ذهبی، ۲۸۹/۴۹.

۸. ابن کثیر، ۶۰/۱۲؛ ابن جوزی، ۳۲۳/۱۵.

۹. ابن کثیر، ۱۱۰/۱۲ و ۱۰۹.

۱۰. تنوی، ۲۴۲۵/۴.

ورا داد دینار مصری هزار یکی نیش سرتیز زهر آبدار
بدو گفت رو، شاه را فصد کن بدین نیش، جان ورا قصد کن^۱
چون این خبر به گوش سلطان محمد رسید، دستور داد تا فصاد را با نیشتر مسموم
خودش، فصد کردند و به قتل رساندند.^۲
بفرمود تا نیش از او بستند بدان نیش، فصاد را رگ زدند^۳

نتیجه

فصد یک روش درمان و پیش‌گیری عمومی بسیار قدیمی است که در تمام جوامع متمدن از جمله جامعه اسلامی، شناخته و مورد استفاده بوده است. پزشکان مسلمان به این عمل اهتمام می‌کردند و نتایج تجربی قابل قبولی از انجام عمل فصد در اختیار داشتند. فصد در نزد پزشکان مسلمان چنان اهمیتی داشت که علاوه بر پرداختن بدان در کتاب‌های پزشکی عمومی، گاه کتاب‌هایی خاص در فصد تألیف می‌کردند. پزشکان مسلمان در استفاده از فصد، علاوه بر بهره‌گیری از تجربیات جوامع شرقی پیش از اسلام، از آثار پزشکان یونانی که از راه ترجمه به دست مسلمانان رسیده بود، بهره‌های فراوان برده‌اند. فصد با این‌که کاربرد گسترده و نتایج عملی قابل قبولی داشت، اما برخی پزشکان قدیم از اساس با آن مخالف بودند. فصد همانند حجامت با گرفتن مقداری از خون بدن بیمار انجام می‌شد. در عین حال، تفاوت‌های قابل توجهی با حجامت از نظر میزان خون‌گیری، موضع عمل، ابزارهای مورد استفاده، زمان و مکان مناسب انجام عمل و مراقبت‌های قبل و بعد از عمل، داشت.

عمل فصد یک کار تخصصی بود و هرکسی اجازه انجام آن را نداشت. از این رو، تجربه و مهارت کافی و دانش‌های مقدماتی از جمله شناختن دقیق محل و نوع رگ‌ها، اعضای بدن، ویژگی‌های عمومی فرد بیمار، سن و سال، ضرورت داشت. توجه به مراقبت‌های پیش و پس از عمل فصد، بسیار مهم و در نتیجه عمل بسیار مؤثر بود. هرگونه اشتباه در انجام فصد، پیامدهای جبران‌ناپذیری به دنبال داشت که گاه منجر به مرگ بیمار می‌شد و برای فصاد و یا پزشک، پیامدهای حقوقی و کیفری ایجاد می‌کرد. فصد همانند سایر اعمال پزشکی، گاه مورد سوء

۱. زجاجی، ۱۳۰۲/۲.

۲. راوندی، محمد بن علی، ۱۵۹؛ همدانی، ۸۶.

۳. زجاجی، ۱۳۰۳/۲.

استفاده افراد جنایتکار قرار می‌گرفت و به‌ویژه در میان درباریان، فرصت و وسیله مناسبی برای از میان برداشتن رقیبان و دشمنان احتمالی بود.

کتابشناسی

امام رضا(ع)، *طب الرضاع* (منسوب به امام رضا، ترجمه نصیرالدین امیرصادقی، تهران، معراجی، ۱۳۸۱ش).

الاخوانی البخاری، ابوبکر ربیع بن احمد، *هدایة المتعلمین فی الطب*، به کوشش جلال متینی، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۱ش.

ابن اخوه، محمد بن محمد بن احمد، *معالم القرية فی احکام الحسبة*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۱هـ / ۲۰۰۱م.

ابن بطلان بغدادی، *تقویم الصحة*، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶ش.
ابن تلمیذ، هبة بن عبدالله، *رسالة الامینیة فی الفصد*، نسخه خطی موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی.

ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، *المنتظم فی تاریخ الامم*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۲هـ / ۱۹۹۲م.

ابن ربن طبری، ابوالحسن علی بن سهل، *فردوس الحکمة فی الطب*، تصحیح محمد زبیر الصدیقی، برلین، آفتاب، ۱۹۲۸م.

ابن زهر، ابی مروان عبدالملک، *التیسیر فی المداواة و التدبیر*، تحقیق میشل الخوری، دمشق، المنظمة العربیة للتربیة و الثقافة و العلوم، ۱۴۰۳هـ / ۱۹۸۳م.

ابن سینا، حسین بن عبدالله، *قانون*، مترجم ناشناس، بی جا، بی نا، ۱۲۵۶هـ.
ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا، *الفخری فی آداب السلطانیة و الدول الاسلامیة*، تحقیق عبدالقادر محمد مایو، بیروت، دار القلم العربی، ۱۴۱۸هـ / ۱۹۹۷م.

ابن القف، ابوالفرج بن موفق الدین، *العمدة فی الجراحة*، حیدرآباد دکن، مجلس دایرةالمعارف العثمانیة، بی تا.

ابن القفطی، *تاریخ الحکماء* (ترجمه فارسی از قرن یازدهم هجری)، تصحیح بهین دارایی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷ش.

- ابن قیم الجوزیه، شمس الدین محمد بن ابی بکر الزرعی دمشقی، *الطب النبوی*، به کوشش عبدالغنی عبدالخالق و عادل الازهری و محمود فرج، بیروت، دار الحکمة، ۱۳۷۷هـ / ۱۹۵۷م.
- ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، *البدایة و النهایة*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷هـ / ۱۹۸۶م.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴هـ.
- ابن ندیم، *الفهرست*، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۹۸هـ.
- ارزانی، محمداکبر، *میزان الطب*، تحقیق و تصحیح هادی نصیری، قم، مؤسسه فرهنگی سما، ۱۳۸۰ش.
- افضل الملک، غلامحسین، *افضل التواریخ*، تصحیح منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران، تاریخ ایران، ۱۳۶۱ش.
- الگود، تاریخ پزشکی *ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه باهر فرقانی، تهران، امیرکبیر، ۲۵۳۶.
- انوری، حسن، فرهنگ سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۱ش.
- آوازه رضوی، محمدابراهیم، *قانون حجامت و فصد (رهنمودهای چهارده معصوم)*، قم، سلسله، ۱۳۸۲ش.
- باقری خلیلی، علی اکبر، «باورهای عامیانه طبی در پاره‌ای از متون ادبی»، *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی*، ش ۱۴، ۱۳۸۳ش، صص ۴۰-۱۳.
- بدری، عبداللطیف، «الفصد فی الطب القدیم»، *نشریه المجمع العلمی العراقی*، ج ۱۳، سال ۱۳۸۵هـ، صص ۹۴-۸۹.
- بغدادی، ابن بطلان، *تقویم الصحة*، مترجم ناشناس، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰ش.
- تنوی، قاضی احمد، *تاریخ الفی*، به همراه آصف خان قزوینی، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲ش.
- تفلیسی، ابوالفضل حبیبش، *کفایة الطب*، تصحیح زهرا پارساپور، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰ش.
- تهرانی، آقابزرگ، *النریة الی تصانیف الشیعة*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶ش / ۱۹۶۸م.
- جرجانی، سیداسماعیل، *خفی علانی*، به کوشش علی اکبر ولایتی و محمود نجم آبادی، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۹ش.
- جرجانی، سید اسماعیل، *ذخیره خوارزمشاهی*، تصحیح و تحشیه محمدرضا محرری، تهران، فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲ش.
- چغمینی، محمود بن محمد بن عمر، *قانونچه در طب*، ترجمه و تحشیه محمدتقی میر، شیراز، دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۰ش.

- خاقانی شروانی، افضل الدین بدیل بن علی، *دیوان خاقانی*، تهران، زوار، ۱۳۶۸ ش.
- دورلند، ویلیام الگزاندر نیومن، *فرهنگ جدید پزشکی انگلیسی به فارسی*، ترجمه فرید مدرس موسوی، تهران، رهنما، ۱۳۸۵ ش.
- دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، زیر نظر محمد معین، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۴۴ ش.
- دهسرخ‌ی اصفهانی، محمود، *آیین تندرستی راز سلامتی در کلمات پیامبر اکرم و ائمه سلام الله علیها*، ترجمه علی صحت، تهران، ناس، ۱۳۶۸ ش.
- ذهبی، شمس الدین، *تاریخ الاسلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۳ هـ / ۱۹۹۳ م.
- رازی، ابوبکر محمد بن زکریا، *الحاوی فی الطب*، حیدرآباد دکن، مطبعة مجلس دایرةالمعارف العثمانیة، ۱۳۷۴ هـ / ۱۹۵۵ م.
- همو، *المنصوری فی الطب*، شرح و تعلیق حازم البکری الصدیقی، کویت، المنظم العربیة للتربیة و الثقافة و العلوم، ۱۴۰۸ هـ / ۱۹۸۷ م.
- همو، *من لایحضره الطیب*، ترجمه ابوتراب نفیسی، تهران، جهاد دانشگاهی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران، ۱۳۶۳ ش.
- راوندی، محمد بن علی، *راحة الصدور و آية السرور*، تصحیح محمد اقبال و مجتبی مینوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴ ش.
- راوندی، مرتضی، *تاریخ اجتماعی ایران*، تهران، نگاه، ۱۳۸۲ ش.
- زبیدی، سید محمد مرتضی، *تاج العروس*، بیروت، دارصادر، ۱۳۸۶ هـ / ۱۹۶۶ م.
- زجاجی، حکیم، *تاریخ منظوم زجاجی*، تصحیح علی پیرنیا، تهران، آثار، ۱۳۸۳ ش.
- زهرای، خلف بن عباس، *نسخه برگردان مقالت سی ام التصریف لمن عجز عن التألیف*، به کوشش یوسف بیگ باباپور، تهران، سفیر اردهال، ۱۳۹۲ ش.
- سمیعی، "فناعت"، *مجله ادبیات و زبانها*، ش ۱۶، سال ۱۳۲۸ ش، ص ۲۴۳.
- شاردن، ژان، *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس، ۱۳۷۲ ش.
- شیرازی، کمال الدین حسین، *رساله در باب فصد*، یکی از هشت رساله ضمیمه شده به کتاب *منافع الافضلیة*.
- الصالحی الشامی، محمد بن یوسف، *سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد*، تحقیق عادل احمد و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۴ هـ / ۱۹۹۳ م.
- صفا، ذبیح الله، *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران، فردوس، ۱۳۷۸ ش.
- طبری، محمدبن جریر، *تاریخ الامم و الملوک*، بیروت، دار التراث، ۱۳۸۷ هـ

- طیب طهرانی، محمد هاشم بن محمد طاهر، *درع الصحة*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰ش.
- العبيدي، صلاح حسين، «الحجامون و الفصادون نماذج من صورهم على الآثار العربية»، *كلية الآداب بجامعة بغداد*، ش ۲۶، صص ۱۶۸-۱۴۷.
- قزوینی، افضل بن محمدامین، *منافع الافضلیة و هشت رساله در طب و حکمت*، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، ۱۳۸۶ش.
- قزوینی، عبدالکریم، *شرح حفظ الصحة ابن سینا*، یکی از هشت رساله ضمیمه شده به کتاب *منافع الافضلیة*.
- قمی، نجم الدین ابوالرجاء، *تاریخ الوزراء*، تصحیح محمدتقی دانش پژوه، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳ش.
- کریستین سن، آرتور، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۸ش.
- کسای، نورالله، «آداب و آموزش پزشکی در ایران اسلامی»، *مقالات و بررسی‌ها*، ش ۴۹ و ۵۰، سال ۱۳۶۹ش، صص ۹۵-۱۱۸.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، ترجمه جواد مصطفوی و هاشم رسولی، تهران، علمیه اسلامی، ۱۳۴۴ش.
- متز، آدام، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*، ترجمه علیرضا زکواتی قراگزلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲ش.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحارالانوار*، تهران، اسلامی، ۱۳۶۳ش.
- محقق، مهدی، *مجموعه متون و مقالات در تاریخ و اخلاق پزشکی در اسلام و ایران*، تهران، سروش، ۱۳۷۴ش.
- محمدبیک، دستور الفصد، نسخه خطی موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی.
- مسکویه، ابوعلی، *تجارب الأمم*، ترجمه ابوالقاسم امامی، تهران، سروش، ۱۳۷۹ش.
- مصاحب، غلامحسین، «فصد»، *دایرةالمعارف فارسی مصاحب*، ج ۲، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰ش.
- منیه، «تاریخ طب از مبدأ تا امروز»، ترجمه رفیع امین، *ارمغان*، سال پانزدهم، ش ۲، صص ۱۲۸-۱۲۳.
- مؤلف ناشناخته، *تاریخ آل سلجوق در آناتولی*، تصحیح نادره جلالی، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۷ش.
- میسری، حکیم، *دانشنامه در علم پزشکی*، به اهتمام برات زنجانی، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل با همکاری دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ش.
- نجم آبادی، *تاریخ طب در ایران پس از اسلام*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۳ش.
- نظامی، خسرو شیرین، تهران، بی نا، ۱۳۵۵ش.

واله قزوینی اصفهانی، محمد یوسف، خلد برین، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۷۲ ش.
همدانی، رشیدالدین فضل الله، جامع التواریخ، تصحیح محمود روشن، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۶ ش.



شاخ رگزنی



نیشتر یا کارد رگزنی